

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه هفتم 99/07/09

موضوع: اثبات مشروعیت سنت از قرآن - آیه 63 سوره نور (2)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

ما در رابطه با حجیت سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به حرف آقای «جصاص» متوفای 370 هجری رسیدیم، ایشان در مورد آیه شریفه:

(فَلْيَخَذِرِ الَّذِينَ يَخَالَفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

سوره نور (24): آیه 63

می‌گوید این آیه نشان می‌دهد که اگر کسی مخالف امر پیغمبر باشد و تسلیم امر پیغمبر نباشد، یا شک در او باشد، از ایمان بلکه از اسلام خارج است.

ما در همان جلسه یک تعلیقه‌ای زدیم که اگر این باشد، چه مسائلی پیش می‌آید. بعد ایشان بحث ممانعت زکات در زمان «ابی‌بکر» را مطرح کرد و اینکه ایشان حکم به ارتداد مانعین زکات داد و هزاران مسلمان را قتل عام کرد و زنان‌شان را اسیر کرد؛ ولی وقتی خلیفه دوم روی کار آمد، همه اسرا را آزاد کرد!! گفتیم اگر بنا بر این است، روایاتی که ما در رابطه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داریم را می‌خواهند چه کار بکنند؟ فرمود:

«مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي»

یا علی! هر کس از تو اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس تو را معصیت کند من را معصیت کرده!

المستدرک علی الصحیحین؛ المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله الطهماني النيسابوري، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990، ج 3، باب وَأَمَّا قِصَّةُ اعْتِرَالِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمَةَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْبَيْعَةِ، ص 130، ح 4617

یا نه، این روایاتی که در رابطه با حضرت امیر (سلام الله علیه) دارند که فرمود:

«أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ»

سنن ابن ماجه؛ المؤلف: ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (المتوفى: 273هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي؛ ج 1، ص 52، ح 145

یا فرمود:

«أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، وَسَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ»

الجامع الكبير - سنن الترمذي؛ المؤلف: محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاک، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، سنة النشر: 1998 م؛ ج 6، ص 182، ح 3870

این روایات را می‌خواهند چه کار بکنند؟ آیا اینها هم همین حکم را دارد؟ یا نه، این دستورات پیغمبر در رابطه با حضرت امیر، استثناء است!؟

«حاکم نیشابوری» نقل می کند:

« نَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَقَالَ: «أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،
وَسِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ»

بعد در ذیل حدیث می گوید:

«هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ»

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله الطهماني النيسابوري
(المتوفى: 405هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة:

الأولى، 1411 - 1990، ج 3، ص 161، ح 4713

«المستدرک»، دو تا روایت پشت سر هم آورده، یک روایت از «ابو هریره» آورده و یک روایت هم از «زید

بن ارقم» آورده؛ با این روایات می‌خواهند چه کار بکنند؟

یا روایت سوم:

«النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْعَرَقِ، وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْاِخْتِلَافِ، فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنْ
الْعَرَبِ اخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ»

اهل بیت من عامل امان امت است از اختلاف، اگر امت من با اهل بیت من مخالفت کنند نه تنها

به فتنه بر می‌گردند، از فتنه هم بالاتر حزب ابلیس خواهند شد.

بعد می‌گوید:

« هذا حدیث صحیح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله الطهماني النيسابوري
(المتوفى: 405هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة:
الأولى، 1411 - 1990، ج 3، ص 162، ح 4715

ما از آقای «جصاص» و دیگر همفکران ایشان سوال می‌کنیم که آیا:

فَلْيُخَذِرِ الَّذِينَ يَخَالَفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی
دردناک به آنها برسد!

سوره نور (24): آیه 63

فقط نسبت به «ابوبکر»، «عمر» و دیگر صحابه است یا شامل فرمایشات حضرت رسول اکرم در حق
امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم خواهد شد؟!
یا این که پیغمبر به حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ»

خدای عالم با رضایت تو راضی است و با غضب تو خشمناک است.

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله الطهماني النيسابوري
(المتوفى: 405هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة:
الأولى، 1411 - 1990، ج 3، ص 167، ح 4730

که «حاکم نیشابوری» در «مستدرک» نقل می‌کند و می‌گوید روایت صحیح است. از آن طرف «بخاری» در
کتاب خودش نقل کرده است:

«فَغَضِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

آیا دستور رسول اکرم اینجا را شامل می‌شود یا نه، اینجا استثناء است؟ یعنی: «فَلْيُخَذَرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ
أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ إِلا فِي عَلى وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ»!!!

وقتی به آیات قرآن نگاه اینچنینی باشد و بر مبنای هوای نفس و اعتقادات باطلی که انسان در ذهنش
درست کرده، بخواهد نگاه بکند، خیلی از مسائل به همین می‌ریزد! ما باید دقت کنیم و ذهنمان را خالی
کنیم و تعصبات مذهبی را از ذهنمان بیرون کنیم بعد به آیات قرآن مراجعه کنیم و ببینیم آیات قرآن چه
دارد.

این روایت را دوستان می‌بینند. حتی «جصاص» در «احکام القرآن» جزء چهارم، این تعبیر را دارد. عزیزان
دقت کنند:

«عن زيد بن أرقم أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لعلي وفاطمة والحسن والحسين أنا حرب لمن
حاربتهم سلم لمن سالمتم فاستحق من حاربهم اسم المحارب لله ولرسوله وإن لم يكن مشركا»

أحكام القرآن، اسم المؤلف: أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر الوفاة: 370، دار النشر: دار إحياء
التراث العربي - بيروت - 1405، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي، ج 4، ص 51

در آنجا نسبت به «ابوبکر» گفت اینجا اصلاً از اسلام بیرون رفتند و مستحق قتل هستند، زنان‌شان هم باید
اسیر بشوند؛ ولی نسبت به امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین، که پیغمبر می‌گوید
جنگ با اینها جنگ با من است و خودش هم می‌گوید اینها «محارب لله و لرسول» هستند، طور دیگری
برخورد می‌کند.

آیا آیه: (فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ) شامل حرب می‌شود یا نمی‌شود؟ یا اصلاً محاربه بالاتر از آن است؟ نه تنها مخالفت امر پیغمبر است، بلکه در حقیقت به منزله جنگ با پیغمبر است!

جنگ با پیغمبر چه جنگی است؟ «المحارب لله ولرسوله» محارب با خدا و پیغمبر است؛ ولی اینها مشرک نیستند! آدم می‌ماند که فردای قیامت اینها چه جوابی برای خدای عالم دارند! فردای قیامت چه می‌خواهند بکنند؟

الحق والانصاف انسان با این وضعی که این حضرات درست می‌کنند نمی‌داند آدم به بدبختی اینها گریه کند یا به این تأویلات بی‌پایه و اساس اینها بخندد!؟

چرا نمی‌خواهد «وإن لم يكن مشركا» بگوید؟ چون اگر بنا بر این باشد که محاربه با علی، محاربه با خدا و پیغمبر باشد و مشرک هم باشد، باید اول به شرک خانم «عایشه» فتوا بدهند، باید ابتدا شرک او را قبول کنند؛ چون با علی جنگیده به هر نیتی که بوده است.

«طلحه» را باید بگویند که مشرک بوده، «زبیر» را باید بگویند مشرک بوده، «معاویه» را باید بگویند مشرک بوده، «عمر و عاص» را باید بگویند مشرک بوده و دیگر کسانی از صحابه که در رکاب این افراد بودند، باید بگویند همه اینها مشرک بودند.

وجالب این است که آقایان آمدند و یک بام و دو هوا درست کردند. در مورد کسانی که در جنگ «جمل» و «صفین» با علی جنگیدند، می‌گویند اینها اجتهاد کردند؛ ولی در مورد «جنگ نهروان» موضع دیگر دارند و می‌گویند اینها از دین خارج شدند!!

چرا؟ چون عاملین «جنگ نهروان» از اصحاب علی بودند که جدا شدند و «جنگ نهروان» را راه انداختند؛ لذا در آنجا حرف‌ها و موضع‌ها فرق می‌کند.

اگر جنگ با علی، جنگ با خدا و جنگ با پیغمبر است، چه تفاوتی است بین «جنگ جمل» و «صفین» و «نهروان»؟! اگر بحث اجتهاد است، بگویید هر سه اجتهاد کردند. و اگر اجتهاد در برابر نص است و حرب با علی، حرب با خدا و حرب با پیغمبر است، در هر سه جا، حرب با خدا و حرب با پیغمبر است!!

لذا ما می‌بینیم در بعضی از جاها روایت پیغمبر را تحریف می‌کنند. مثلاً «امیر علاء الدین» متوفای 739 هجری در تعلیقاتش بر «صحیح ابن حبان»، در جلد پانزدهم می‌آید اسم «علی» را از روایت پیغمبر حذف می‌کند!!

« عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ: أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَسَلَّمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ»

الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان؛ المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى: 354هـ)، ترتيب: الأمير علاء الدين علي بن بلبان الفارسي (المتوفى: 739 هـ)، حقه وخرج أحاديثه وعلق عليه: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، 1408 هـ - 1988 م؛ ج 15، ص 434

ایشان آمده به جای این که مشکل را حل کند، صورت مسئله را پاک کرده است. جالب است محقق کتاب در پاورقی می‌گوید: این روایت در «مصنف ابن ابی شیبه» جلد دوازده صفحه 97 است. «ابن ماجه» این را دارد و «ترمذی» هم این را دارد، «طبرانی» هم این را دارد.

بعد می‌گوید: «ابو هریره» در «مسند احمد» این را دارد، «حاکم نیشابوری» دارد، و «حاکم» می‌گوید روایت صحیح است. تمام اینها را آورده ولی اسم علی در روایت نیست. اما شما دیدید که در تمامی روایاتی که خواندیم اسم امیرالمؤمنین بود.

حتی «ذهبی» با آن وضع خودش در کتاب «تاریخ اسلام» در بیان حوادث سال 61 تا 80 می‌گوید:

«وله شاهد من حدیث زید بن أرقم»

تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام؛ اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبي الوفاة: 748هـ دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - 1407هـ - 1987م ، الطبعة:
الأولى، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ج 5، ص 99

يعنى روایت، روایتی صحیح است. «ابن حجر در الاصابة» دارد. «ابن كثير» در كتاب «البدایة» دارد:

«نظر رسول الله إلى علي...»

البدایة والنهاية؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: 774، دار النشر:
مكتبة المعارف - بيروت، ج 8، ص 36

دارد. «هيثمى» هم دارد. «ترمذى» هم نقل می کند:

«قال لِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَسِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ»

الجامع الصحيح سنن الترمذى؛ اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذى السلمى الوفاة:
279، دار النشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 5، ص
699، ح 3870

«مسند احمد بن حنبل» دارد:

«نَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ فَقَالَ أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ
وَسِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار
النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج 2، ص 442، ح 9696

البته اينها دنبال اين هستند كه مى گويند:

«حديث صحيح بطرقه وشواهد، وهذا إسناد ضعيف»

این هم خیلی جالب است. می گوید حدیث صحیح است ولی سند ضعیف است!! آمده این بدبخت بیچاره نسبت به «تلید بن سلیمان» که در سند قرار گرفته، گیر داده. چرا گیر داده؟

«تلید بن سلیمان کان مذهبہ التشیع»

چون این آقا شیعه بوده است! ولی با همه این حال «احمد ابن حنبل» می گوید «تلید ابن سلیمان» که شیعه هست،

« ولم یر به بأسا »

به تلید به سلیمان اشکالی نیست!

تاریخ بغداد أو مدينة السلام؛ تألیف: الإمام الحافظ أبي بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي المتوفى سنة 463؛ دراسة وتحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، ج

7، ص 144

یا «برهان الدین» در کتاب «کشف الحثیث» می آید می گوید:

«وثقه احمد»

همان طوری که ذکر کرده:

«لم نر به بأسا»

بعد می گوید:

«قال أحمد شيعي لم نر به بأسا وقال بن معين كذاب يشتم عثمان وقال أبو داود رافضي يشتم أبا

بكر وعمر رضي الله عنهما وفي لفظ رافضي خبيث»

الكشف الحثيث عن رمي بوضع الحديث؛ اسم المؤلف: إبراهيم بن محمد بن سبط ابن العجمي
أبو الوفا الحلبي الطرابلسي الوفاة: 841، دار النشر: عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية - بيروت -
1407، الطبعة: الأولى، تحقيق: صبحي السامرائي، ص 80

می بینید اینها این بساط را دارند. البته این روایت در کتب شیعه هم است. «ابو بصیر» می گوید به امام
صادق (سلام الله علیه) عرض کردم:

«مَنْ نَصَبَ لِعَلِيٍّ حَرْبًا كَمَنْ نَصَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ؟»

حضرت فرمودند:

إِي وَ اللَّهُ وَ مَنْ نَصَبَ لَكَ أَنْتَ لَا يَنْصِبُ لَكَ إِلَّا عَلَى هَذَا الدِّينِ كَمَا كَانَ نَصَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ»

المحاسن؛ نویسنده: برقی، احمد بن محمد بن خالد، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، ناشر:
دار الكتب الإسلامية، ج 1، ص 185، ح 195

می فرماید: با امیرالمؤمنین که هیچ، اگر کسی با تو که شیعه هستی، به عنوان شیعه بودنت، اگر کسی
بخواهد با تو بجنگد، جنگش با خدا است!!

و نیز فرمود:

«يَا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ وَ مَنْ سَأَلَكَ فَقَدْ سَأَلَنِي وَ مَنْ سَأَلَنِي
فَقَدْ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

الأمالي (للصدوق)؛ ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، ص 561،
المجلس الثالث والثمانون

ولی با همه اینها می بینیم که این حضرات اینچنین نظراتی دارند. این مطلب را هم شما ببینید که در کتاب
«النهاية في غريب الحديث» اثر «ابن اثیر» در ذیل ماده «بور» دارد:

«کنا نبور أولادنا بحب علي رضي الله عنه»

النهاية في غريب الحديث والأثر؛ اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري الوفاة: 606،
دار النشر: المكتبة العلمية - بيروت - 1399هـ - 1979م ، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود
محمد الطناحي، ج1، ص161

اگر فرزندی به دنیا می‌آمد و شک داشتیم که آیا این فرزند ما هست یا نه، همسر ما خیانت کرده و از مرد دیگری این بچه را باردار شده، با محبت علی امتحان می‌کردیم؛ اگر علی را دوست داشت، می‌فهمیدیم که این بچه ما است.

در «لسان العرب» هم دارد:

«کنا نبور أولادنا بحب علي، عليه السلام»

لسان العرب؛ ابن منظور محمد بن مكرم، محقق / مصحح: مير دامادی، جمال الدين، ناشر: دار
الفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ج 4، ص 87

در کتاب «مناقب الأسد الغالب» می‌گوید:

«فإذا رأينا أحداً لا يحبّ علي بن أبي طالب»

اگر ما می‌دیدیم بچه‌هایمان علی را دوست ندارد.

«علمنا أنه ليس منا، وأنه لغير رشده»

می‌فهمیدیم که بچه ما نیست و از زنا به دنیا آمده.

باز می‌گوید:

«کنا معشر الأنصار نبور أولادنا بحبهم عليا رضي الله عنه فإذا ولد فينا مولود فلم يحبه عرفنا أنه ليس

منا»

ما جماعت «انصار» اولادمان را با حب علی امتحان می‌کردیم، بچه‌ای به دنیا می‌آمد علی را دوست نداشت ما می‌فهمیدیم که این بچه از ما نیست!

مناقب الأسد الغالب مُمزق الكتائب، ومُظهر العجائب لیث بن غالب، أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب رضي الله عنه؛ المؤلف : ابن الجزري شمس الدين محمد بن محمد (المتوفى : 833هـ)، تحقيق : طارق الطنطاوي، الناشر : مكتبة القرآن ، مصر - القاهرة، ج1، ص 19، ح 11

باز «انس بن مالک» می‌گوید:

«ما کتا نعرف الرجل لغير أبيه إلا بیغض علی ابن ابي طالب»

مناقب آل أبي طالب؛ تألیف: الامام الحافظ أبي عبد الله محمد بن علي بن شهر آشوب السروي المازندراني، المتوفى سنة 588 هـ، قام بتصحيحه وشرحه ومقابلته علی عدة نسخ خطية لجنة من أساتذة النجف الأشرف، المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1375 هـ 1956 م، ج 3، ص 10

در روایات شیعه هم الی ماشاء الله ما داریم که پیغمبر فرمود:

«يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ»

کمال الدین و تمام النعمة؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: اسلامیة، تهران، 1395 ق، ج1، ص 261، ح 8

حالا ما از اینها سوال می‌کنیم آنهایی که با امیرالمؤمنین جنگیدند - به قول یکی از مراجع بزرگوار - آیا اینها به خاطر دوستی با علی بود؟ اینها علی را دوست داشتند و به علی علاقه داشتند، می‌خواستند علی را بکشند که سریع به بهشت برود!؟ یا نه؟

اینها با علی می‌جنگیدند و عداوت داشتند و علی را خارج از اسلام می‌دانستند و «نستجیر بالله» حضرت را مستحق آتش می‌دانستند. این که نمی‌شود علی را مؤمن بدانند بعد با او بجنگند؛

(وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می‌ماند؛ و خداوند بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

سوره نساء (4): آیه 93

اینها یک سری چالش‌ها و پارادوکس‌هایی است که علمای اهل سنت باید بیابند به این مسائل جواب بدهند. به قول «مقام معظم رهبری» زمان بزن و در رو، گذشت.

در گذشته، سنی‌ها در کتاب‌های خودشان برای خودشان و شیعه‌ها هم برای خودشان می‌نوشتند؛ ولی الان این کتاب‌ها در فضای مجازی قرار گرفته و همه دسترسی دارند و باید با این برخورد کنند.

یک روایت در کتاب «موطأ مالک» متوفای 179 هجری هست که خیلی روایت خوبی است. رسول اکرم برای شهادی «احد» فرمود:

«هَؤُلَاءِ أَشْهَدُ عَلَيْهِمْ»

من بر اسلام و شهادت و ترفیع مقام اینها شهادت می‌دهم!

«فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ أَلَسْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَخْوَانِهِمْ»

ابوبکر گفت: ما برادران این شهداء نیستیم؟

«أَسْلَمْنَا كَمَا أَسْلَمُوا وَجَاهَدْنَا كَمَا جَاهَدُوا»

اسلام آوردیم همان‌طور که اینها اسلام آوردند

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلَى»

بله شما هم مثل شهدای «احد» اسلام آوردید و جهاد کردید

«وَلَكِنْ لَا أَذْرِي مَا تُحَدِّثُونَ بَعْدِي»

ولی نمی‌دانم بعد از من چه کارها و چه بدعت‌هایی خواهید گذاشت!

«فَبَكَى أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ بَكَى»

ابوبکر مدام گریه کرد

«ثُمَّ قَالَ أَنَا لَكَائُونَ بَعْدَكَ»

آیا ما بعد از تو در قید حیات هستیم؟

موطأ الإمام مالك، اسم المؤلف: مالك بن أنس أبو عبدالله الأصبحي، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - مصر، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج2، ص 461، ح 987

یکی از اساسی‌ترین بحثی که درباره صحابه هست، قضیه «حدیث حوض» است که اینها نمی‌توانند جواب بدهند.

«لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ حَتَّى عَرَفْتُهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي»

اصحاب من کنار حوض می‌آیند آنها را می‌شناسم ولی مانع آنها می‌شوند که به طرف حوض بیایند!

«فَأَقُولُ أَصْحَابِي»

می‌گویم: همه اینها صحابه من بودند؟

«فَيَقُولُ لَا تَذْرِي مَا أَحَدَّثُوا بَعْدَكَ»

می‌گویند: نمی‌دانی اینها چه بدعت‌ها و احداثی بعد از تو گذاشتند!

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2406، ح 6211

این‌ها کاملاً واضح و روشن است. یا دارد:

«يَرِدُ عَلَى الْخَوْضِ رِجَالٌ مِنْ أَصْحَابِي فَيَحْلَوْنَ عَنْهُ»

عده ای از اصحاب قصد ورود به حوض دارند که مانعشان می شوند.

«فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ إِنَّهُمْ ازْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرِي»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2407، ح 6214

در روایت 6215 نقل شده است که پیغمبر می پرسد: چرا اینها را نمی گذارید ببینند، اینها را کجا می برید؟
می گویند:

«إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ قَلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ازْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرِي»

بعد می گوید صحابه را دسته دسته می برند:

«فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعْمِ»

تعداد اندکی از آتش جهنم نجات پیدا می کنند!

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2407، ح 6215

همه اینها نشانگر این است که اینها بعد از رسول اکرم با وصیش مخالفت کردند. اینها کافر که نشدند، از دین هم بیرون نرفتند و مرتد هم نشدند.

اگر می‌گویند «اصحاب رده» زکات ندادند و مرتد شدند، لذا ابوبکر با آنها جنگید! مگر «اصحاب رده» چند نفر بودند؟ روایت «صحيح بخاری» می‌گوید کل اصحاب وارد آتش جهنم می‌شوند الا تعداد اندکی!! یعنی تمام اصحاب من جز تعداد اندکی وارد آتش جهنم خواهند شد.

همه اینها نشان می‌دهد بر این که اگر بنا است ما بیاییم آیه:

فَلْيُخَذِرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

سوره نور (24): آیه 63

را ملاک قرار بدهیم و اگر بخواهیم اینها را خوب معنا بکنیم، تمام مسائل اعتقادیمان به هم می‌ریزد و لذا ناگزیر هستیم به صورت گزینشی با اینها برخورد کنیم.

این نکاتی که در لابه‌لای بحث گفته می‌شود عزیزان این مباحث را داشته باشند، خیلی جاها به درد می‌خورد. مباحث «حدیث حوض» است، «حدیث قرطاس» است، «حدیث ارتداد» است. اینها از بحث‌های اساسی است که در مناظرات و یا در پاسخگویی به شبهات لازم است.

ادامه بحث را ان شاء الله روز شنبه در خدمت عزیزان و بزرگواران هستیم. خداوند به همه شما توفیق بدهد و بر توفیقات همه عزیزان بیفزاید.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»